

**Comparison of the amount attention to
Mahdism concepts through Islamic
education textbook of education system
(1951-2008)**

**بررسی و مقایسه میزان توجه به مفاهیم مهدویت در
کتاب درسی معارف اسلامی آموزش و پرورش
(از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۸۷)**

Reza Jafari Harandi, Ali Naghi Faghihi, Hassan Najafi
1 Assistant Professor in Department Of Educational Sciences,
Faculty of Literature and Human Sciences, University of Qom, Iran
2 Associate Professor in Department Of Educational Sciences,
Faculty of Literature and Human Sciences, University of Qom, Iran
3 PhD Student in Curriculum Studies, Department of Curriculum
Studies, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh
Tabatabaei University, Tehran, Iran

رضا جعفری هرندی، علی نقی فقیهی، حسن نجفی*
۱ استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، ایران
۲ دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، ایران
۳ دانشجوی دکتری مطالعات برنامه درسی، گروه مطالعات برنامه درسی، دانشکده روان
شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

Abstract

چکیده

The aim of the current study was to comparative evaluation of the amount attention to Mahdism concepts through Islamic education textbook of education system in Iran in the curriculum field. These subjects included the individual characteristics of Imam, the era before the appearance (the occultation era of Imam Mahdi), the reappearance era and post-reappearance era (the reign era). In this research, descriptive method has been used in the type of content analysis, with applied approach. The statistical population of the research was all the textbooks of the Islamic education which has published in education system in three educational periods (elementary, and the first and second levels of pre-high school) from 1951 to 2008. In the sample, there were 90 textbooks of the Islamic education which were selected by using the random sampling method which was available. The measurement tool was a researcher-made checklist of content analysis. The research results were analyzed by using the indicators of the descriptive statistics (frequency, percentage, mean, standard deviation) and inferential (independent T-test), and SPSS, version 20. The most common results of this research showed that there is a meaningful difference between the components related to Mahdism in two periods of time, before Islamic republic revolution (19.36) and after the Islamic republic revolution (26.64) in the level of $p < 0.05$.

Keywords: Mahdism concepts, content analysis, Islamic textbooks

پژوهش حاضر با هدف بررسی و مقایسه میزان توجه به مفاهیم مهدویت در کتاب درسی معارف اسلامی نظام آموزش و پرورش کشور در حوزه برنامه درسی انجام شد. این مباحث شامل؛ ویژگی‌های فردی حضرت، عصر قبل از ظهور (عصر غیبت)، عصر ظهور و عصر بعد از ظهور (دوران حکومت) می‌شد. روش پژوهش توصیفی از نوع تحلیل محتوا و رویکرد آن نیز کاربردی بوده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه کتاب‌های درسی معارف اسلامی بوده که وزارت آموزش و پرورش در سه دوره تحصیلی (ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم) طی سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۸۷ به چاپ رسانده است. نمونه مورد بررسی ۹۰ عنوان کتاب درسی معارف اسلامی بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی در دسترس انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری چک لیست تحلیل محتوای محقق ساخته بود. نتایج پژوهش با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (آزمون T مستقل) و با کمک نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ مورد تحلیل قرار گرفت. عمده‌ترین نتایج این پژوهش بیانگر آن بود که: اختلاف مشاهده شده بین میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت در دو دوره قبل از انقلاب اسلامی (۱۹/۳۶) و بعد از انقلاب اسلامی (۲۶/۶۴) در سطح $(p < 0/05)$ معنادار است.

واژگان کلیدی: مفاهیم مهدویت، تحلیل محتوا، کتاب درسی معارف اسلامی

* نویسنده مسؤول: حسن نجفی hnajafih@yahoo.com

مقدمه

«اندیشه و باورداشت مهدویت» از جمله آموزه‌های وحیانی است که در منظومه اندیشه شیعی به سان خورشید نورافشانی می‌کند، و ریشه در پاسخ به نیازهای فطری بشر دارد؛ فطرتی که او را به بهروزی و کمال طلبی و امید وصول به آینده‌ای تابناک می‌خواند و گسترش فرهنگ خدا باوری، شناخت صحیح امام و راه او و پرورش روحیه عدالت خواهی، ظلم ستیزی و شکوفا شدن تمامی استعداد‌های بشری را نوید می‌دهد. باوری که در دل خود گوهری چون «انتظار» را پروراند است؛ انتظار ظهور رادمردی از سلاله پیامبر خاتم (ص) که هم نام و سیره اوست و ارزش‌هایی را که جد بزرگوارش برای محقق آن مبعوث شده است احیا می‌کند؛ «بقیه‌ا...» و ذخیره خداست برای «یوم موعود» تا عدل و داد را بگستراند و بساط ظلم و جور را برکند (Faghihi et al, 2013).

به عبارت دیگر مهدویت به عنوان مدینه فاضله اسلامی و ظهور منجی موعود، تدبیری الهی است تا آمال و آرزوهای بشر در طول قرن‌ها تحقق یابد. تحقق چنین عصری مستلزم آماده بودن زمینه‌ها و شرایط لازم است (Hosseiniyan, 2007).

از جمله شرایط زمینه سازی ظهور و تغییر روش‌ها و نگرش‌های افراد جامعه به سمت آمادگی برای حضور حجت خدا، توجه به عوامل فرهنگی و اهتمام به رشد، توسعه و ارتقای شخصیت انسان‌ها و پرورش کمالات انسانی است که در پرتو گزینش ایده‌آل برتر از راه تعلیم و تربیت امکان‌پذیر است. (Mousavi, 2009).

تعلیم و تربیتی که در گذشته‌ای نه چندان دور، بر دوش والدین بود و در محیط خانواده صورت می‌پذیرفت؛ در این میان باورهای دینی والدین، انجام فرایض و آداب آیینی از سوی آنان و الزاماتی که در این خصوص بر فرزندان وارد می‌ساختند بیشترین سهم را در انتقال آموزه‌های دینی به نسل‌های بعدی داشت؛ طبیعی است که تعلیم و تربیت دینی در فضایی این گونه بیش از آن که مبتنی بر روش و محتوای اقناع کننده باشد تکیه بر نقش‌پذیری و الگوگیری فرزندان از والدین دارد که در عین اهمیت بی‌بدیلی که این مسأله دارد در صورت عدم توفیق در فرایند الگو سازی و

الگو پذیری، مرجع جایگزینی و یا تقویت کننده‌ای در این امر مورد انتظار نخواهد بود. اما با گذشت زمان و پیچیده‌تر شدن مشکلات زندگی، والدین بخش عمده‌ای از مسؤولیت آموزشی و تربیتی خود و در این میان، آموزش مذهبی را به نهادهای رسمی آموزشی محول می‌کنند (Dadsetan, 2008).

کتاب درسی (Text book) یا محتوا در نظام‌های آموزشی به خصوص نهاد آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از ابزارهای بسیار مهم و اساسی برای آموزش دانش‌آموزان است و سند مکتوب و مدون تعلیم و تربیت محسوب می‌شود که فعالیت‌ها و تجارب یادگیرندگان، بر محور آن سازماندهی می‌شود (DibaieSaber et al, 2010). نقش کتاب درسی فراهم کردن امکانات و شرایط مناسب برای ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار دانش‌آموزان از طریق فرآیند یاددهی - یادگیری است. از این نظر، محتوای برنامه درسی از نظر نقشی که در تحقق اهداف ایفا می‌کند، از اهمیت خاص برخوردار است.

از آنجا که برنامه ریزی، تدوین، تغییر و روزآمد کردن کتب درسی یکی از الزامات نظام آموزشی است، تحلیل و بررسی علمی آن اهمیت مضاعف دارد. این تحلیل به دست اندرکاران و مؤلفان کتاب‌های درسی کمک می‌کند تا در هنگام تدوین، گزینش و انتخاب محتوای کتاب‌های درسی دقت بیشتر نموده تا ضمن تسهیل یادگیری، زمینه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را فراهم آورند. در حقیقت تحلیل محتوا کمک می‌کند تا مفاهیم، اصول، نگرش‌ها، باورها و کلیه اجزای مطرح شده در قالب درس‌های کتاب مورد بررسی علمی قرار گیرد و با هدف‌های برنامه درسی، مقایسه و ارزشیابی شود. (Yarmohammadian, 2013).

شیوه تحلیل محتوا به عنوان برجسته‌ترین ابزار شناخته شده برای بررسی محتوای کتب درسی، در برنامه‌های درسی کاربرد بسیاری دارد. در این جهت، برنامه ریزان درسی با این سؤال اساسی سروکار دارند که در نیل به اهداف یادگیری چه موضوعاتی باید گنجانند؟

سپس به این پرسش می‌پردازند که چگونه باید محتوایی را که برای یادگیری برگزیده شده، سازماندهی و ارائه داد تا دانش‌آموزان بتوانند آن را یاد بگیرند و تجربه

به مؤلفه‌های مهدویت در محتوای برنامه درسی دوره متوسطه ایران»، انجام پذیرفته حاکی از آن است که در مجموع ۲۵۵۱ مرتبه به محورها و مولفه‌های مفهومی مرتبط با مهدویت توجه شده که میزان آن در کتاب‌های دین و زندگی، ادبیات فارسی، مطالعات اجتماعی و تاریخ انقلاب اسلامی دوره متوسطه به ترتیب ۱۲۴۹، ۷۸۵، ۳۲۵ و ۱۹۲ مرتبه است.

همچنین جعفری هرندی (Jafari Harandi, 2012) در مطالعه‌ای دیگر که با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی به لحاظ میزان توجه به مباحث مهدویت» انجام داده است به این یافته نائل آمده که کتاب‌های فارسی (با ۲۶۳ مورد) نسبت به کتاب‌های هدیه‌های آسمانی (با ۲۵۲ مورد) و تعلیمات اجتماعی (با ۹۲ مورد) توجه بیشتری را به مفاهیم مرتبط با مهدویت و محورها و مولفه‌های مفهومی آن داشته‌اند.

امینی و همکاران (Amini et al, 2012) در مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمان و فارسی مقطع ابتدایی از نظر توجه به مهدویت» به این یافته نائل آمده‌اند که توجه به نمادها و مؤلفه‌های مهدویت و آموزش آن در کتاب‌های یاد شده بسیار کم است و لازم است نظام آموزش و پرورش کشور تغییرات و اصلاحاتی در محتوای آنها اعمال نماید.

بقائی و همکاران (Baghaei et al, 2012) در اثر خود با عنوان «الگوی مفهومی - عملیاتی راه‌انداز راهبردهای تربیت مهدوی در نظام آموزشی کشور» به شناسایی، تبیین و نهادینه ساختن راهبردهای عملیاتی تربیت مهدوی در حوزه‌های سه‌گانه مغزافزار، نرم‌افزار و سخت‌افزار نظام تعلیم و تربیت کشور پرداخته‌اند.

غفاری ایرانی (Ghaffari Irani, 2013) در پژوهشی با عنوان «بررسی وضعیت موجود فرهنگ مهدویت در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه استان قم و شیوه‌های ارتقای آن» نشان داد که درباره شناخت امام زمان بیشتر دانش‌آموزان به پرسش‌ها، پاسخ‌های درست داده‌اند.

درباره ایمان و باور قلبی به امام مهدی (ع)، انتظار ظهور، فلسفه غیبت و فلسفه ظهور، میانگین به دست آمده بالاتر از حد متوسط است.

کنند. به عبارت دیگر، ابتدا آنها به طور اخص به دانش و محتوا، سپس به تدریس و تجربیات یادگیری می‌پردازند (Sha'bani, 2013).

تمامی برنامه‌های درسی، صرف نظر از طرح یا الگوی تدوین دارای محتوا هستند، نحوه نگرش افراد به محتوا تحت تأثیر دیدگاه آنها نسبت به دانش و واقعیت، یعنی تحت تأثیر دیدگاه‌های فلسفی آنهاست.

گروه‌هایی که طرح ریزی برنامه درسی را بر عهده دارند در مورد محتوا حق انتخاب دارند که تحت تأثیر آنها در واقع با گزینه بیش از حد روبرو هستند و آنها محتوایی را برمی‌گزینند که برای دانش‌آموزان امکان یادگیری بیشتر را فراهم آورد.

با این تفاسیر محتوا، خلاصه‌ای از حقایق، مفاهیم، تعمیم‌ها، اصول و نظریه‌های مشابه با دانش منظم است. محتوای برگزیده شده باید به ارتقای سطوح درک و فهم دانش‌آموزان کمک کند. (Maleki, 2013)

در بررسی پیشینه پژوهش مشخص شد؛ پژوهش‌هایی که به مطالعه تطبیقی زمان بندی شده در حیطه فرهنگ و مؤلفه‌های مهدویت پرداخته باشند، وجود ندارد. اما به عنوان شاهد به برخی از مطالعاتی که در زمینه مهدویت و عناصر برنامه درسی انجام پذیرفته است، اشاره می‌شود.

فرامرزی، عابدینی (Faramazi, Abedini, 2014) در پژوهشی با عنوان «میزان توجه به دینورزی و مؤلفه‌های بین فردی آن در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی» نشان دادند که بین کتاب‌های درسی مختلف و همچنین پایه‌های مختلف تحصیلی از نظر میزان تأکید بر متغیرهای دینورزی، تعاون، صلح، سپاسگزاری و گذشت تفاوت معناداری وجود دارد؛ به طوری که بیشترین میزان تأکید در کتاب‌های درسی مربوط به متغیر دین‌ورزی و کمترین میزان تأکید مربوط به متغیر صلح‌رحم بوده است.

همچنین تأکید کتاب‌های درسی دوره ابتدایی در وهله اول بر پرورش روحیه دینداری آشنایی دانش‌آموزان با اصول و فروع دین بوده و پرورش مهارت‌های بین فردی دینی از اولویت دوم و کمتری برخوردار است.

نتایج پژوهش جعفری هرندی و نجفی (Jafari Harandi, Najafi, 2013) که با عنوان «بررسی میزان توجه

شخصیتی معلمان، محتوای کتاب‌های دینی، بعد ساختاری مدرسه و در نهایت بعد فرهنگی - اجتماعی مدرسه) پرداخته‌اند.

مهرمحمدی، صمدی (Mehrmohammadi, Samadi, 2003) در پژوهشی با عنوان «بازنگری در الگوی آموزش دینی جوانان و نوجوانان در دوره تحصیلی متوسطه» به ارائه الگویی جهت آموزش دینی جوانان و نوجوانان دوره متوسطه تحصیلی پرداخته‌اند.

حسن زاده (Hassanzadeh, 2003) در مقاله خود به نقش و کارکرد نهادهای آموزشی در انتقال ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی پرداخته و معتقد است که نهادهای آموزشی هر کشور در انتقال ارزش‌ها، سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی نقش مهمی داشته و منعکس کننده ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی - اجتماعی آن جامعه محسوب می‌شود. روزنانی (Rosnani, 2002) در مقاله‌ای پیرامون اسلامی کردن برنامه آموزشی و تحصیلی، تلاش نموده است که مشکلات موجود برنامه ریزی در نظام آموزشی کشورهای اسلامی را مورد بررسی قرار دهد، نتایج پژوهش نشان داد که محتوای برنامه درسی، یعنی رشته‌ها یا موضوعات ارائه شده در نهادهای آموزشی اسلامی، از سطح ابتدایی گرفته تا سطح متوسطه، به خصوص در علوم اکتسابی عاریت گرفته از دیدگاه غیر دینی غربی است؛ بنابراین، دانش آموخته شده عاری از ارزش‌های مذهبی است؛ حتی اگر چنین هم نباشد، مملو از ارزش‌های ناسازگار با عقاید و ارزش‌های دینی است.

مک دونالد (Macdonald, 2002) خاطر نشان می‌کند که در سال‌های اخیر مقوله روحانیت و اخلاق در نظام‌های آموزشی به عنوان جنبه یا ویژگی اصلی انسان که دارای ارتباط معنوی با بهبود و سلامت فردی وی است، مورد توجه بسیار قرار گرفته است.

از نظر ژيرو (Giroux, 1992) و آیزنر (Eisner, 1979) مدارس باید با تدوین برنامه درسی به پرورش و رشد باورها، نگرش‌ها، گرایش‌ها و مهارت‌های ارزشی و دینی جوامع خویش بپردازند.

همچنین پژوهش‌های دیگری نیز مانند میدگلی، اندرمان (Midgley, Anderman, 2003)، و ريبا (Ryba,

درویشی، احمدی (darvishi, Ahmadi, 2012) در مقاله خود که «تحلیل محتوای برنامه‌های فرهنگی دوره متوسطه بر اساس نمادهای ملی و مذهبی» نام دارد، اظهار نموده‌اند که این برنامه‌ها با هدف هویت بخشی به نسل نوجوان به نمادهای هویت ملی و مذهبی توجه کرده‌اند. در حیطه مولفه‌های مذهبی، نمادهای هویت دینی که انعکاس دهنده ارزش‌های دینی در یک جامعه مذهبی است، جلوه و برجستگی بیشتری در مقایسه با نمادهای هویت ملی در این برنامه‌ها داشت.

شفیعی سروستانی (Shafiei Sarvestani, 2008) در مقاله خود با عنوان «رویکردهای افراطی و تفریطی در حوزه مهدویت»، به تبیین رویکردهای موجود نسبت به مسأله مهدویت در قبل و بعد از انقلاب پرداخته است. در این پژوهش، شاخصه‌های رویکرد مهدوی در دوران پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران کاملاً با یکدیگر متفاوت دانسته شده است.

یافته‌های مرزوقی (Marzoughi, 2008) در پژوهشی با عنوان «سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس»، نشانگر آن است که توجه نظام‌مند و برنامه ریزی شده‌ای در حوزه هدف گذاری و تدوین محتوا جهت ترویج تفکر مهدویت، در منابع درسی دوره ابتدایی وجود ندارد.

صالحی (Salehi, 2007) در پژوهشی با عنوان «مهدویت و اهداف نظام تربیتی اسلام» اهداف نظام تربیتی مهدویت را بر اساس آیات و روایات به چهار بخش کلی اهداف تربیتی مهدویت در وظایف انسان نسبت به خداوند، خویشتن، دیگران و طبیعت دسته بندی نموده است.

پهلوان (Pahlevan, 2006) در پژوهش خود که با عنوان «بایسته‌های پژوهشی در مسأله مهدویت» است، یکی از مهم‌ترین الزامات در زمینه مهدویت را، برنامه ریزی صحیح و شناخت فرصت‌ها، تهدیدها، امکانات و چالش‌هایی می‌داند که ملازم با اعتقاد به این اندیشه هستند تا در پرتو آن بسترهای لازم برای تربیت نسل مهدوی پدید آید.

دانشگر و همکاران (Daneshgar et al, 2004) در مقاله‌ای با عنوان «آسیب پذیری تربیت دینی و زمینه‌های آموزشگاهی آن» به شناسایی زمینه‌های آموزشگاهی آسیب پذیری تربیت دینی (شیوه مدیریتی مدرسه، ویژگی‌های

مرتبط با سیمای مهدویت در حوزه برنامه درسی و همچنین متون مطرح و موجود در حیطه صفات و رفتارهای معرفتی و اخلاقی منتظران حقیقی همچون جلد ۱۳ و ۵۲ بحارالانوار (Majlesi, 1993)، چهره‌های درخشان چهارده معصوم (Hosseini Dashti, 2005)، الغیبه (Noamani, 2007)، میزان الحکمه (Mohammadi Reyshahri, 2012)، امالی (Tosi, 2012)، احتجاج (Tabarsi, 2013)، تهذیب الاخلاق (Ibn Miskawayh, 2002)، منتخب الأثر فی امام الثانی عشر (Safi Golpaygani, 2004)، المحجۀ البیضاء فی تهذیب الاحیاء (Faiz Kashani, 1997)، الزام الناصب فی احوال الامام الغائب (Yazdi Haeri, 2013)، جلد اول کمال الدین و تمام النعمه (Babouyeh Qomi, 2011)، جلد دوم معادن الحکمه فی مکاتیب الائمة علیهم السلام (Kashani, 2011)، و جلد اول و دوم اصول کافی (Kulayni, 2013)، به منظور دستیابی به محورها و مؤلفه‌های مفهومی مرتبط با موضوع، مطالعه و بررسی شده که نتایج این بررسی با ۱ محور و ۴ مؤلفه مفهومی در جدول شماره ۱ طراحی شده است.

به منظور حصول اطمینان از وجود روایی (validity) محورها و مؤلفه‌های مفهومی استخراجی اولیه در اختیار گروهی از صاحب نظران برنامه‌ی درسی و متخصصان حوزه مهدویت گذارده شد و از آنها خواسته شد محورها و مؤلفه‌های مفهومی را به لحاظ درجه تناسب با مفاهیم مرتبط با ابعاد سیمای مهدویت در حوزه برنامه درسی در طیفی از یک تا پنج ارزش گذاری کنند. ماحصل بررسی نتایج ارزش گذاری‌های آنان تأیید محور و مؤلفه‌های مفهومی دسته بندی شده در محورها با ارزش میانگین ۴/۴ از ۵ بوده است. به علاوه در فرایند ساخت ابزار، جهت اطمینان از وجود روایی صوری و محتوایی ابزار، چک لیست تهیه شده اولیه، مجدداً توسط صاحب نظران و متخصصان مذکور، مورد بررسی قرار گرفته و پس از اعمال نظرات اصلاحی آنها فرم نهایی ابزار در طیفی از یک تا پنج ارزش گذاری شد که این بار نیز، ارزش میانگین ۴/۲ از ۵ را به دست آورد.

جهت تأمین پایایی (reliability) ابزار از تکنیک اجرای مجدد استفاده شده است. بدین صورت که فرم نهایی تهیه

(1997) نشان می‌دهند که آموزش ارزش‌های دینی و مذهبی از طریق درس‌های مختلف، بسیار مؤثر است. با توجه به این که تا کنون پژوهشی تطبیقی و جامع، در ارتباط با تحلیل محتوای کتب درسی معارف اسلامی در زمینه مؤلفه‌های مهدیت صورت نپذیرفته، این پژوهش در پی آن است که با عنایت به مبانی نظری و سوابق پژوهشی به این سؤال پاسخ دهد که «وضعیت کتب درسی معارف اسلامی (از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۸۷)» در میزان توجه به مفاهیم و مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت چگونه است؟ تا جایگاه و وضعیت آن را در نظام آموزش و پرورش کشورمان چه در دوران قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب بررسی، توصیف، مقایسه و مستند سازی نموده و با توجه به کمبودها و آسیب‌های موجود پیشنهادهای کاربردی ارائه کند.

روش پژوهش

با توجه به تحلیل کمی، عینی و نظام دار کتاب‌های درسی در زمینه توجه به مفاهیم مرتبط با مهدویت و همچنین ابزار مورد استفاده، روش پژوهش توصیفی و از نوع تحلیل محتوا (content analysis) بوده است.

جامعه آماری این پژوهش شامل؛ کتب درسی معارف اسلامی دوره‌های (ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم) آموزش و پرورش در دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی (از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۸۷) است. نمونه مورد بررسی ۹۰ عنوان کتاب درسی معارف اسلامی بوده است که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی در دسترس انتخاب شد.

در این پژوهش از فیش برداری و جداول طبقه بندی اطلاعات جهت استخراج و دسته‌بندی اطلاعات مربوط به ابعاد سیمای مهدویت در کتاب‌های درسی معارف اسلامی دوران قبل و بعد از انقلاب استفاده شده است. به منظور طراحی و تنظیم ابزارهای تحقیق ابتدا اطلاعات مربوط، شناسایی و پس از بررسی بر اساس چهارچوب‌های تعیین شده، فرم‌های مربوط طراحی و تنظیم گردید و اطلاعات استخراج شده بر اساس آنها دسته بندی شد.

ابزار گردآوری داده‌ها، فهرست‌های وارسی (چک لیست) تحلیل محتوای کتاب‌های درسی محقق ساخته بوده که به منظور ساخت آن، ابتدا نتایج پژوهش‌های پیشین

برای تعیین جایگاه هر یک مؤلفه‌ها در کتب درسی نمونه از شاخص‌های آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف استاندارد) و همچنین جهت مقایسه نتایج کلی دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی و نیز مقایسه هر یک از دوره‌های تحصیلی (از نظر شاخص‌های مهدوی) بطور مجزا از آزمون استنباطی t مستقل استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

نتایج سؤال اول پژوهش: به چه میزان کتب درسی معارف اسلامی قبل و بعد از انقلاب اسلامی به مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت در حوزه برنامه درسی پرداخته‌اند؟
نتایج جدول شماره ۲ فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت را به تفکیک دوره زمانی مشخص نموده است.

شده به طور هم‌زمان و مجزا در اختیار تحلیل‌گر محتوای متخصص دیگری نیز، قرار داده شد که به طور مجزا، چند درس از برخی کتاب‌ها را تحلیل نمایند. ضریب همبستگی داده‌های حاصل از تحلیل‌های انجام شده هم‌زمان توسط پژوهشگر اصلی و متخصص مذکور، مورد محاسبه قرار گرفت که نتیجه حاصله مبین ضریب همبستگی ۰/۸۹ بوده است.

جدول ۱ - مؤلفه‌های مربوط به مهدویت

مؤلفه‌ها	محور
۱- ویژگی‌های فردی حضرت	مهدویت
۲- عصر قبل از ظهور (عصر غیبت)	
۳- عصر ظهور	
۴- عصر بعد از ظهور (عصر حکومت)	

جدول ۲ - نتایج تحلیل محتوای کتب درسی معارف اسلامی در پرداختن به مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت بر حسب مؤلفه و دوره

مؤلفه	دوره	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار
ویژگی‌های فردی حضرت	قبل از انقلاب	۳۰۴	۳۵	۶/۷۶	۲/۴۰
	بعد از انقلاب	۴۵۰	۳۷/۴	۱۰/۰۰	۲/۶۵
عصر قبل از ظهور (عصر غیبت)	قبل از انقلاب	۲۴۴	۲۸	۵/۴۲	۱/۹۲
	بعد از انقلاب	۳۱۶	۲۶/۳	۷/۰۲	۱/۷۶
عصر ظهور	قبل از انقلاب	۱۷۴	۲۰	۳/۸۷	۲/۰۹
	بعد از انقلاب	۲۴۳	۲۰/۲	۵/۴۰	۱/۹۱
عصر بعد از ظهور (عصر حکومت)	قبل از انقلاب	۱۴۸	۱۷	۳/۲۹	۱/۶۴
	بعد از انقلاب	۱۹۳	۱۶/۱	۴/۲۹	۱/۴۷
مجموع	قبل از انقلاب	۸۷۱	۱۰۰	۱۹/۳۶	۳/۸۲
	بعد از انقلاب	۱۱۹۹	۱۰۰	۲۶/۶۴	۳/۷۶

نتایج سؤال دوم پژوهش: به چه میزان کتب درسی معارف اسلامی دوره‌های تحصیلی (ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم) قبل و بعد از انقلاب اسلامی به مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت در حوزه برنامه درسی پرداخته‌اند؟
نتایج جدول شماره ۴ فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت در کتب معارف اسلامی دوره ابتدایی را به تفکیک دوره زمانی مشخص نموده است.

مطابق نتایج جدول شماره ۳، آزمون t مستقل فوق اختلاف مشاهده شده بین میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت در دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی معنادار است. زیرا در این مؤلفه‌ها، مقدار سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ است. و میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت بعد از انقلاب اسلامی (۲۶/۶۴) به طور معناداری بیشتر از میانگین مؤلفه‌های مهدویت قبل از انقلاب اسلامی (۱۹/۳۶) است.

جدول ۳ - نتایج آزمون t مستقل برای مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت

مؤلفه	t	درجه آزادی	سطح معناداری
ویژگی‌های فردی حضرت	۶/۰۷۷	۸۸	<۰/۰۰۰۵
عصر قبل از ظهور (عصر غیبت)	۴/۱۱۱	۸۸	<۰/۰۰۰۵
عصر ظهور	۳/۶۲۶	۸۸	<۰/۰۰۰۵
عصر بعد از ظهور (عصر حکومت)	۳/۰۳۸	۸۸	۰/۰۰۳
مجموع	۹/۱۱۳	۸۸	<۰/۰۰۰۵

جدول ۴ - نتایج تحلیل محتوای کتب درسی معارف اسلامی دوره ابتدایی در پرداختن به مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت بر حسب مؤلفه و دوره

مؤلفه	دوره	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار
ویژگی‌های فردی حضرت	قبل از انقلاب	۱۱۳	۴۴	۷/۵۳	۳/۳۷
	بعد از انقلاب	۱۹۰	۴۴/۷	۱۲/۶۷	۱/۸۳
عصر قبل از ظهور (عصر غیبت)	قبل از انقلاب	۷۹	۳۰/۷	۵/۲۷	۱/۷۹
	بعد از انقلاب	۱۲۰	۲۸/۲	۸/۰۰	۱/۱۹
عصر ظهور	قبل از انقلاب	۳۰	۱۱/۷	۲/۰۰	۰/۷۵
	بعد از انقلاب	۶۳	۱۴/۸	۴/۲۰	۰/۹۴
عصر بعد از ظهور (عصر حکومت)	قبل از انقلاب	۳۵	۱۳/۶	۲/۳۳	۱/۲۹
	بعد از انقلاب	۵۲	۱۲/۲	۳/۴۷	۱/۴۵
مجموع	قبل از انقلاب	۲۵۷	۱۰۰	۱۷/۱۳	۴/۰۸
	بعد از انقلاب	۴۲۵	۱۰۰	۲۸/۱۳	۳/۴۶

مطابق نتایج جدول شماره ۵، آزمون t مستقل فوق اختلاف مشاهده شده بین میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت کتب معارف اسلامی دوره ابتدایی در دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی معنادار است. زیرا در این مؤلفه‌ها، مقدار سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ است. و میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت بعد از انقلاب اسلامی (۲۸/۱۳)

به طور معناداری بیشتر از میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت قبل از انقلاب اسلامی (۱۷/۱۳) است. نتایج جدول شماره ۶ فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت در کتب معارف اسلامی دوره متوسطه اول را به تفکیک دوره زمانی مشخص نموده است.

جدول ۵ - نتایج آزمون t مستقل برای مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت

مؤلفه	t	درجه آزادی	سطح معناداری
ویژگی‌های فردی حضرت	۵/۱۷	۲۸	<۰/۰۰۰۵
عصر قبل از ظهور (عصر غیبت)	۴/۹۱	۲۸	<۰/۰۰۰۵
عصر ظهور	۷/۰۵	۲۸	<۰/۰۰۰۵
عصر بعد از ظهور (عصر حکومت)	۲/۲۵	۲۸	۰/۰۳۲
مجموع	۷/۹۵	۲۸	<۰/۰۰۰۵

جدول ۶ - نتایج تحلیل محتوای کتب درسی معارف اسلامی دوره متوسطه اول در پرداختن به مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت بر حسب مؤلفه و دوره

مؤلفه	دوره	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار
ویژگی‌های فردی حضرت	قبل از انقلاب	۹۷	۲۳	۶/۴۷	۱/۸۴
	بعد از انقلاب	۱۱۹	۳۲/۲	۷/۹۳	۱/۹۰
عصر قبل از ظهور (عصر غیبت)	قبل از انقلاب	۸۴	۲۸/۶	۵/۶۰	۲/۴۱
	بعد از انقلاب	۱۰۳	۲۷/۸	۶/۸۷	۲/۰۶
عصر ظهور	قبل از انقلاب	۶۸	۲۳/۱	۴/۵۳	۱/۹۵
	بعد از انقلاب	۸۶	۲۳/۲	۵/۷۳	۲/۱۸
عصر بعد از ظهور (عصر حکومت)	قبل از انقلاب	۴۵	۱۵/۳	۳/۰۰	۱/۳۰
	بعد از انقلاب	۶۲	۱۶/۸	۴/۱۳	۱/۲۴
مجموع	قبل از انقلاب	۲۹۴	۱۰۰	۱۹/۶۰	۳/۵۰
	بعد از انقلاب	۳۷۰	۱۰۰	۲۴/۶۷	۳/۵۳

مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت بعد از انقلاب اسلامی (۲۴/۶۷) به طور معناداری بیشتر از میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت قبل از انقلاب اسلامی (۱۹/۶۰) است. نتایج جدول شماره ۸ فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت در کتب معارف اسلامی دوره متوسطه دوم را به تفکیک دوره زمانی مشخص نموده است.

مطابق نتایج جدول شماره ۷، آزمون t مستقل فوق اختلاف مشاهده شده بین میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت کتب معارف اسلامی دوره متوسطه اول در دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی به جز مؤلفه‌های عصر قبل از ظهور (عصر غیبت) و عصر ظهور معنادار است. زیرا در این مؤلفه‌ها، مقدار سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ و میانگین

جدول ۷ - نتایج آزمون t مستقل برای مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت

مؤلفه	t	درجه آزادی	سطح معناداری
ویژگی‌های فردی حضرت	۲/۱۴	۲۸	۰/۰۴۱
عصر قبل از ظهور (عصر غیبت)	۱/۵۴	۲۸	۰/۱۳۴
عصر ظهور	۱/۵۸	۲۸	۰/۱۲۵
عصر بعد از ظهور (عصر حکومت)	۱/۴۲	۲۸	۰/۰۲۲
مجموع	۳/۹۴	۲۸	<۰/۰۰۰۵

جدول ۸ - نتایج تحلیل محتوای کتب درسی معارف اسلامی دوره متوسطه دوم در پرداختن به مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت بر حسب مؤلفه و دوره

مؤلفه	دوره	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار
ویژگی‌های فردی حضرت	قبل از انقلاب	۹۴	۲۹/۵	۶/۲۷	۱/۵۳
	بعد از انقلاب	۱۴۱	۳۴/۶	۹/۴۰	۱/۵۹
عصر قبل از ظهور (عصر غیبت)	قبل از انقلاب	۸۱	۲۵/۴	۵/۴۰	۱/۵۹
	بعد از انقلاب	۹۳	۲۲/۹	۶/۲۰	۱/۵۲
عصر ظهور	قبل از انقلاب	۷۶	۲۳/۸	۵/۰۷	۱/۹۰
	بعد از انقلاب	۹۴	۲۳/۱	۶/۲۷	۱/۸۳
عصر بعد از ظهور (عصر حکومت)	قبل از انقلاب	۶۸	۲۱/۳	۴/۵۳	۱/۵۵
	بعد از انقلاب	۷۹	۱۹/۴	۵/۲۷	۱/۱۶
مجموع	قبل از انقلاب	۳۱۹	۱۰۰	۲۱/۳۳	۲/۷۴
	بعد از انقلاب	۴۰۷	۱۰۰	۲۷/۱۳	۳/۶۲

جدول ۹ - نتایج آزمون t مستقل برای مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت

مؤلفه	t	درجه آزادی	سطح معناداری
ویژگی‌های فردی حضرت	۵/۴۸	۲۸	<۰/۰۰۰۵
عصر قبل از ظهور (عصر غیبت)	۱/۴۰	۲۸	۰/۱۷۱
عصر ظهور	۱/۷۵	۲۸	۰/۹۰
عصر بعد از ظهور (عصر حکومت)	۱/۴۶	۲۸	۰/۱۵۴
مجموع	۴/۹۴	۲۸	<۰/۰۰۰۵

یافته‌های فرامرزی، عابدینی (Faramazi, Abedini, 2014)، جعفری هرندی، نجفی (Jafari Harandi, Najafi, 2013)، شفیعی سروستانی (Shafie Sarvestani, 2008) همسو و با یافته‌های امینی و همکاران (Amini et al, 2012)، مرزوقی (Marzoghi, 2008) و روزنانی (Rosnani, 2002) ناهمسو است.

در دوره ابتدایی که از نظر متخصصان برنامه درسی زیرو (Giroux, 1992)، آیزنر (Eisner, 1979) و روان‌شناسان تربیتی میدگلی، اندرمان (Midgley, Anderman, 2003)، ريبا (Ryba, 1997) برای ایجاد نگرش مثبت و زمینه سازی التزام عملی نسبت به مفاهیم دینی بسیار مؤثر است، نتایج بررسی‌ها حاکی از آن بود که اختلاف مشاهده شده بین میانگین مؤلفه‌های تحلیل شده دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی معنادار است. زیرا در این مؤلفه‌ها، مقدار سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ و میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت بعد از انقلاب اسلامی (۲۸/۱۳) به طور معناداری بیشتر از میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت قبل از انقلاب اسلامی (۱۷/۱۳) است. بنابراین توجه به این نکته ضروری به نظر می‌رسد که تبیین قیام حضرت و اقدامات ایشان نیازمند زمینه سازی‌های قبلی است و طرح آن در دوره ابتدایی می‌بایست در سطحی بسیار کمتر از دوره‌های متوسطه اول و دوم ارائه گردد که این نتایج که همسو با یافته‌های مطالعات درویشی، احمدی (darvishi, Ahmadi,)

مطابق نتایج جدول شماره ۹، آزمون t مستقل فوق اختلاف مشاهده شده بین میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت کتب معارف اسلامی دوره متوسطه دوم در دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی به جز مؤلفه‌های عصر قبل از ظهور (عصر غیبت)، عصر ظهور و عصر بعد از ظهور (عصر حکومت) معنادار است. زیرا در این مؤلفه‌ها، مقدار سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ و میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت بعد از انقلاب اسلامی (۲۷/۱۳) به طور معناداری بیشتر از میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت قبل از انقلاب اسلامی (۲۱/۳۳) است.

بحث و نتیجه‌گیری

در بررسی نقاط اشتراک و افتراق کتاب‌های درسی معارف اسلامی دوره‌های مختلف تحصیلی قبل و بعد از انقلاب، در پرداختن به ابعاد و مؤلفه‌های مفهومی سیمای مهدویت که هدف انجام این پژوهش بود، نتایج ذیل حاصل شد:

بررسی مقایسه‌ای کلیه کتب معارف اسلامی نشان داد که اختلاف بین میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت در دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی معنادار است. زیرا در این مؤلفه‌ها، مقدار سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ است و میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت بعد از انقلاب اسلامی (۲۶/۶۴) به طور معناداری بیشتر از میانگین مؤلفه‌های مهدویت قبل از انقلاب اسلامی (۱۹/۳۶) است. این نتایج با

سروستانی (Shafie Sarvestani, 2008) همسو و با یافته‌های امینی و همکاران (Amini et al, 2012)، مرزوقی (Marzoghi, 2008) و روزنانی (Rosnani, 2002) ناهمسو است.

نتایج بررسی این پژوهش همانند یافته‌های فرامرزی، عابدینی (Faramazi, Abedini, 2014) و شفیعی سروستانی (Shafie Sarvestani, 2008) نشان می‌دهد که تفاوت چشم گیری بین دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی در پرداختن به مباحث مربوط به سیمای مهدویت در کتب معارف اسلامی وجود دارد. به طوری که می‌توان گفت دوران بعد از انقلاب بیش از دوران قبل از انقلاب اسلامی به ارائه مسائل مربوط به مهدویت در این نوع کتب پرداخته‌اند. اما به صورت جزئی‌تر که به نتایج نظر افکنده شود، مشاهده می‌گردد که این برتری کمی در تمام ابعاد مهدوی گسترده نشده است.

البته در این جا لازم است به این نکته توجه شود که بالاترین میزان انگیزه بخشی و ایجاد نگرش مثبت در بعد دوران آرمانی پس از ظهور نهفته است و این وجه مهمی در آموزش مهدویت به دانش‌آموزان در دوره‌های مختلف تحصیلی است که در صورتی که با شرح وظایف و جایگاه منتظر در جامعه قبل از ظهور همراه گردد نتایج مثبتی ببار خواهد آورد.

و نتایج این بخش همانند یافته‌های مرزوقی (Marzoghi, 2008) که تأکید بر عدم نظام‌مندی ارائه فرهنگ مهدویت در کتاب‌های درسی داشت، گویای آن است که در هر دو دوره خلاء بی در ارائه مؤلفه‌های مهدوی در کتب درسی وجود دارد که از اثربخشی مثبت آن می‌کاهد: دوره قبل از انقلاب با خلأ شرایط زمان حال، شرح وظایف و به طور کلی لوازم قبل از ظهور و دوره بعد از انقلاب با خلأ طرح جامعه آرمانی و بی نظیر عصر بعد از ظهور به عنوان نوید بخش و انگیزه ساز برای اقدام در فرد منتظر است.

جامعه ایرانی، یک جامعه شیعی و منتظر است که اسلامی بودنش جزئی از ارکان اصلی آن را تشکیل می‌دهد. چنین جامعه‌ای، می‌بایست در راستای اسلامی نمودن نهادهای مختلف خود تلاش نماید. مهدویت جزئی جدا

پهلوان (Pahlavan, 2006) و ناهمسو با یافته‌های پژوهش‌های امینی و همکاران (Amini et al, 2012)، مرزوقی (Marzoghi, 2008) و روزنانی (Rosnani, 2002) بوده حاکی از عملکرد مناسب‌تر دوران بعد از انقلاب در این زمینه است.

نتایج تحلیل کتب معارف اسلامی دوره متوسطه اول پیرامون پرداختن به ابعاد مهدویت در دوران قبل و بعد از انقلاب نشان داد که به طور کلی دوران قبل از انقلاب بیش از دوره بعد از انقلاب در دوره متوسطه اول به ارائه مباحث گوناگون مهدویت پرداخته است و اختلاف مشاهده شده بین میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت کتب معارف اسلامی دوره متوسطه اول در دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی به جز مؤلفه‌های عصر قبل از ظهور (عصر غیبت) و عصر ظهور معنادار است. زیرا در این مؤلفه‌ها، مقدار سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ و میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت بعد از انقلاب اسلامی (۲۴/۶۷) به طور معناداری بیشتر از میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت قبل از انقلاب اسلامی (۱۹/۶۰) است. این نتایج با یافته‌های امینی و همکاران (Amini et al, 2012)، مرزوقی (Marzoghi, 2008) و روزنانی (Rosnani, 2002) همسو و یافته‌های فرامرزی، عابدینی (Faramazi, Abedini, 2014)، جعفری هرندی، نجفی (Jafari Harandi, Najafi, 2013) ناهمسو بوده است.

نتایج حاصل از بررسی کتب معارف اسلامی دوره متوسطه دوم قبل و بعد از انقلاب اسلامی حاکی از آن است که اختلاف مشاهده شده بین میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت کتب معارف اسلامی دوره متوسطه دوم در دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی به جز مؤلفه‌های عصر قبل از ظهور (عصر غیبت)، عصر ظهور و عصر بعد از ظهور (عصر حکومت) معنادار است. زیرا در این مؤلفه‌ها، مقدار سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ و میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت بعد از انقلاب اسلامی (۲۷/۱۳) به طور معناداری بیشتر از میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت قبل از انقلاب اسلامی (۲۱/۳۳) است. این نتایج با یافته‌های فرامرزی، عابدینی (Faramazi, Abedini, 2014)، جعفری هرندی، نجفی (Jafari Harandi, Najafi, 2013)، شفیعی

با توجه به مجموع موارد فوق، به نظر می‌رسد که هر چند کتب درسی معارف اسلامی بعد از انقلاب از نظر کمی نسبت به دوران قبل از انقلاب توجه چشم‌گیری داشته است ولی از نظر کیفی عدم جهت‌دهی مناسب و برنامه‌ریزی شده آن در بخش عقیدتی کتب درسی قابل تأمل است.

این پژوهش از آن جایی دارای اهمیت است که حاصل بررسی کتب تعلیمات دینی و معارف اسلامی است؛ کتبی که در واقع نماد تربیت عقیدتی و اسلامی مدارس است و نقاط قوت و ضعف آن در این نوع عملکرد بیشتر از سایر دروس حائز اهمیت است. بنابراین ضرورت می‌یابد که آموزش و پرورش دینی ما، هدف‌گذاری ویژه و خاصی در موضوع سیمای مهدویت صورت دهد و در راستای تحقق آن، به اصلاح و تدوین محتوای کتب درسی بپردازد تا گامی مؤثر در ایجاد جامعه اسلامی، آینده‌نگر و آرمانی برداشته شود.

پیشنهادات

۱- انجام تحقیقات مشابه در سایر عناصر برنامه درسی (اهداف، روش‌های یاددهی - یادگیری و ارزشیابی) کتاب‌های معارف اسلامی می‌تواند راهکاری مناسب برای بازسازی و بهسازی برنامه درسی تربیت مهدوی باشد.

۲- نتایج پژوهش می‌تواند زمینه‌ای را برای بررسی و بازنگری محتوای کتاب‌های درسی معارف اسلامی فراهم نموده تا دست اندرکاران تألیف، ضمن استفاده از محورها و مؤلفه‌های مفهومی با مرور نتایج حاصله به بسترهای موجود و احیاناً غفلت‌های انجام شده (به ویژه مؤلفه‌های عصر غیبت و عصر ظهور) بیشتر واقف شده و در بازنگری‌های پیوسته برنامه‌های درسی و پشتیبانی آنها در سیستم آموزشی کشور به اصلاح، ترمیم و تکمیل مطالب کتاب‌های درسی مذکور بپردازند.

۳- برای ایجاد تغییرات مطلوب و عمیق در دانش‌آموزان دوره‌های ابتدایی و متوسطه لازم است، از طرف ادبا و نویسندگان بزرگ متن‌ها و داستان‌های مرتبط با مهدویت (با در نظر گرفتن نیازها و ویژگی‌های روان‌شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان) به شیوه‌های مستقیم و

ناپذیر از این اسلامیت است. جزئی‌خداشه‌ناپذیر که تمام آرمان‌های دینی را طوری برنامه‌ریزی نماید که حداکثر هم‌پوشی در نگرش‌ها و زمینه‌سازی برای این آرمان بزرگ را داشته باشد.

علاوه بر این نگرش مهدوی، نگرشی است که نه تنها برای تحقق آرمان‌های اسلامی ضروری است بلکه آثار چنین نگرشی از بسیاری از آسیب‌های فردی و اجتماعی جلوگیری نموده یا برطرف‌کننده آن است. پژوهش حاضر به مقایسه عملکرد آموزش و پرورش قبل و بعد از انقلاب در پرداختن به این نوع تربیت در کتب معارف اسلامی پرداخته است.

قابل ذکر است که این مقایسه از این جهت حائز اهمیت است که شرایط این دو دوران با یکدیگر متفاوت است. دوران قبل از انقلاب در ایران، دورانی بود که جاکمیت مستبد و غیردینی بر ایران حکومت می‌کرد و لذا توجه نسبت به گسترش علوم دینی و تربیت دینی به جز برخی دلسوزان در آن کمتر به چشم می‌خورد و دوران بعد از انقلاب که حاکمیت اسلامی در ایران مستقر گردیده و تلاش در جهت تربیت دینی و مهدوی مورد تأیید و تشویق حاکمیت و نظام قرار می‌گیرد. لذا هدف‌گذاری دقیق برنامه ریزی دقیق‌تر جهت اعتلای نگرش مهدوی در میان نسل حاضر ایران، ضروری به نظر می‌رسد.

نتایج پژوهش حاضر ارتقا و برتری دوران بعد از انقلاب در پرداختن به سیمای مهدویت در تربیت دینی دانش‌آموزان را نشان می‌دهد. اما تفاوت چشمگیری در میزان پرداختن به مباحث گوناگون مهدوی در دوره‌های مختلف تحصیلی و سنین تربیتی خاص به چشم می‌خورد که این مطلب گویای عدم برنامه‌ریزی صحیح برای ارائه سیر تربیتی متناسب با سنین و نیازهای خاص آنهاست.

همچنین اهداف عقیدتی و سیاسی آموزش و پرورش در دوره‌های مختلف نیز مؤید همین مطلب است. چرا که مبحث مهدویت تنها به عنوان بحثی در زیرمجموعه امامت مطرح گردیده و فقط در دوره متوسطه دوم بحث انتظار و آثار آن به عنوان هدفی مجزا آورده شده است. در صورتی که نتایج همین پژوهش حاکی از تفاوت معناداری میان دوره‌های مختلف تحصیلی در دوران قبل از انقلاب است.

Babouyeh Qomi, J, M, (2011), Kamal Al-Din Va Tamam Al- Nemah, translation: Pahlevan, M. Qom: Msjed Jamkaran [Persian].

Baghaei, H, Myhman Doost, H, Qahremany Fard, F, Qahremany Fard, K, (2012), Operational and Conceptual Model driving the training strategies of Mahdaviyat in educational system of the country, Journal of Mashreq Mouood, No 26, pp 165 – 189 [Persian].

Dadsetan, P, (2008), 18 papers in psychology, Tehran: Samt [Persian].

Daneshgar, S, Jafari, E, Liaghatdar, M, J, (2004), Vulnerability of religious education and the school fields, Journal of Research on Curriculum, No 3, pp 33 – 52 [Persian].

Darvishi, L, Ahmadi, P, (2012), Content analysis of The Cultural Activities In The Secondary Education Based On National And Relious Simbols, Journal of Research on Curriculum, No 35, pp 15 – 32 [Persian].

Dibaei Saber, M , jafari Sani, H, Ayati, M, (2010), A study on elementary school Farsi curriculum (third and fourth grade) engagement with reading skill literacy based on PIRLS' study, Journal of Educational Innovations, No 36, pp 29 – 49 [Persian].

Eisner, E, W, (1979), The Educational Imagination: On the Design and Evaluation of School Programs, New York: Macmillan College.

Faqihi, A,N, Jafari Harandi, R, Najafi, H, (2013), Mechanisms underlying the ground setting education derived from the Hadith traditions, Journal of Mashreq Mouood, No 26, pp 65 – 90 [Persian].

Faiz Kashani, M, (1997), al-Mahajj al-bayza fi Tahzib Al- Ahya, Mashhad: Astan Quds Razavi [Arabic].

Faramazi, S, Abedini, Y, (2014), According of religion-making and interpersonal components in the elementary textbooks, Journal of Research on Curriculum, No 40, pp 151 – 163 [Persian].

Ghaffari Irani, S, (2013), A study of the status of messianic beliefs among secondary school students in Qom, Master's thesis, Faculty of Humanities, University of Kashan [Persian].

غیر مستقیم در کتاب‌ها، بیان گردد تا شکاف کمی و کیفی موجود ترمیم گردند.

۴- در برخی از دروس مندرج در کتاب‌های بررسی شده، زمینه این که به طور روشن‌تری به محور و مؤلفه‌های مفهومی مرتبط با مهدویت پرداخته شود وجود داشته ولی چنانچه باید از بسترهای مذکور استفاده نشده است؛ به عبارت دیگر محتواهای بررسی شده از تعادل و انسجام مناسبی برخوردار نبودند. جهت جبران این نقص و برقراری تعادل و انسجام محتوا می‌توان با توجه به نقش تصویر سازی در باور پذیری دانش‌آموزان به تدوین ادبیات مصور مهدوی اقدام نمود.

۵- مؤلفان می‌توانند با گنجاندن مطالبی در خصوص مفاهیم مرتبط با مهدویت در برخی از دروس دیگر (برنامه درسی تلفیقی) همچون ادبیات فارسی، تعلیمات اجتماعی، تاریخ و ... بر رسالت خود در انتقال و جهت دهی مناسب این ارزش‌ها از طریق کتاب‌های درسی موفق‌تر باشند.

۶- دست اندرکاران آموزش و پرورش می‌توانند به کمک آموزش‌های ضمن خدمت اهمیت پرداختن به فلسفه ظهور و ویژگی‌های فرهنگ انتظار را برای دبیران و سایر عوامل مدرسه توضیح و تشریح نمایند تا آنان به عنوان یکی از اجزای مؤثر برنامه درسی پنهان در فرصت‌ها و مناسبت‌های گوناگون برای دانش‌آموزان، سبک زندگی مهدوی را تبیین نموده و موجب افزایش دانش، بینش و رفتار مهدوی آنان شوند.

۷- از آنجا که دستگاه‌های مختلفی مسئولیت زمینه سازی ظهور را جامعه عهده دار هستند، به منظور اثرگذاری بهتر برنامه‌ها و جلوگیری از تناقض و تضاد در محتوای برنامه‌ها، برقراری ارتباط و هماهنگی میان اهداف و محتوای آنها در تمامی نهادهای مذهبی، فرهنگی و اجتماعی پیشنهاد می‌گردد.

منابع

Amini, M, Mashaalahinejad, Z, Alizadeh Zarei, M, (2012), The content analysis of the elementary school skies gifts and Persian according to the Mahdism, Journal of Islamic and Psychology Studies, No10, pp 7 – 26 [Persian].

youth in the secondary school, Journal of Educational Innovations, No 3, pp 34 – 9 [Persian].

Midgley, C, Anderman, E, L, (2003), Differences between elementary and middle school teachers and students, Journal of Early Adolescence, No 15, pp 90 – 113.

Mohammadi Reyshahri, M, (2012), Mizan alhekma With Persian Translation, Qom: Darolhadith [Persian].

Mousavi, M, (2009), Mahdavi School (Introduction to the philosophy underlying the education system), Journal of Mashreq Mouood, No 10, pp 85 – 115 [Persian].

Noamani, M, E, (2007), Alghybeh, Tehran: Asyana [Arabic].

Pahlevan, M, (2006), The suitable issues for research on Mahdaviat, Journal of Safineh, No 12, pp 119 – 142 [Persian].

Rosnani, H, (2002), Islamization of Curriculum, Journal of Metodology of Sicial Science and Humanities, No 32, pp 87 – 110 [Persian].

Ryba, R, (1997), Education, Democracy and Development: An International Perspective, Boston: Dordrecht.

Safi Golpaygani, L, (2004), Montakhab Al-Asar fi imam Al- Sani Ashar, Qom: imam al-montazar [Arabic].

Salehi, G, R, (2007), Mahdism and the purposes of Islamic Educational System, Journal of Mashreq Mouood, No 1, pp 171 – 184 [Persian].

Sha'bani, H, (2013), Content analysis as a research method: the approach of the school curriculum, Tehran: Ban Al-zahra [Persian].

Shafiei Sarvestani, I, (2008), Extremes approaches in the field of Mahdism, , Journal of mouood, No 92, pp 14 – 17 [Arabic].

Tabarsi, A, A, (2013), Ehtejaj, Qom: Navid Zohoor [Arabic].

Giroux, H, A, (1992), The emancipation of teaching, Boston: Allyn and Bacon.

Hassanzadeh, R, (2003), The role and function of educational institutions in social values - cultural, Journal of Educational Innovations, No 4, pp 64 – 49 [Persian].

Hosseinian, L, (2007), Mahdism, spirituality and globalization, Proceedings of the Third International Conference Mahdism doctrine, Qom: Institute of Mahdism [Persian].

Hosseini Dashti, A, (2005), Fourteen innocent face shining, Qom: Mouood' Salem [Persian].

Ibn Miskawayh, A, M, (2002), Tahzib Al-Akhlaq, Tehran: Asatir [Arabic].

Jafari Harandi, R, Najafi, H, (2013), Evaluation according to the messianic elements in Iranian secondary level curriculum content, Journal of Mashreq Mouood, No 28, pp 57 – 86 [Persian].

Jafari Harandi, R, (2012), The content analysis of the elementary level textbooks as regards to the attention paid to the issue of messianism, Journal of Mashreq Mouood, No 28, pp 107 – 132 [Persian].

Kashani, M, F, (2011), Maaden Al-Hekmah, Qom: Islami [Arabic].

Kulayni, M, Y, (2013), Al-Kafi', Tehran: Raz Tavakol [Arabic].

Macdonald, J, J, (2002), Spiritual Health in Older Men. Paper Presented, Interactive Seminar on Older Men and Community Building.

Majlesi, M, B, (1993), Bihar al-Anwar, Beirut: Alvfa' Institute [Arabic].

Maleki, H, (2013). Curriculum Development (Practical Guide), Mashhad: Payam Andisheh [Persian].

Marzoughi, R, (2008), Mahdaviat in School Curricula: With an Approach to Educational Philosophy of Expectation, Journal of Islamic Education, , No 7, pp 127 – 137 [Persian].

Mehrmohammadi, M, Samadi, P, (2003), Reload this model of religious education and

Tosi, M, H, (2012), Amali, Qom: Armaghan Touba [Arabic].

Yarmohammadian, MH, (2013), Principles of Curriculum Development, Tehran: Yadvareh Ketab [Persian].

Yazdi Haeri, A, Z, (2013), Alnasb Fi Ahval Al-iamam Al-gheb, Qom: Talieh- Sabz [Arabic].